

کتاب

تاریخ کبیر

تألیف

محمد اللہ میرزا بک میرزا احمد بن نصر مہتوبی قزوینی

درسنہ ۷۳۰ ہجری

جلد اول

مشمول بر عکس نسخہ قدیمی کہ درسنہ ۸۵۷ ہجری اینستینساج شدہ
وسابقاً از مملکات مرحوم معتدالدولہ حاجی فرہاد میرزا بودہ است

بشعی و اہتمام اقل العباد

ادوارزون انگریزی

معلم زبان فارسی در دارالفنون کمبریج سمت انطبایع پذیرفت
در دارالسلطنہ لندن

سنہ ۱۲۲۸ ہجری مطابق سنہ ۱۹۱۰ مسیحی

بسمه تعالی،

(مقدمه ناشر کتاب)،

ناخت و ناز مغول در قرن هفتم هجری چنانکه همه کس میدانند بزرگترین ضربت و شدیدترین لطمه بود که بر ملل اسلامیة و تمدن و علوم و ادبیات ایشان وارد آمد، شهرهای بزرگ پر جمعیت مبدل بخرابهای موات گردید، مساجد و مدارس و کتابخانها بکلی نیست و نابود شد، سرناسر بلاد و فری زبر و زبر گشت و سکنه آنها جمیعاً عرصه شمشیر گردیدند، هرکس اندکی بعلوم و ادبیات فارسی یا عربی مانوس باشد البته ملاحظه کرده است که مابین کتب و مؤلفاتی که قبل از فتح بغداد و انقراض خلافت عربیه نصیف شد و کتبی که بعد از آن بعرضه ظهور آمد تفاوت رتبه و اختلاف درجه تا چه اندازه است، ولی یک شعبه مخصوص از ادبیات زبان فارسی را از این قاعده کتبه باید استثنا نمود و آن کتب تاریخ است، در هیچ عصری ظهور این همه کتب تاریخیه در زبان فارسی با این درجه از کمال و تحقیق و نتیج سراغ نداریم از قبیل تاریخ جهانگشای تألیف علاء الدین عطا ملک جوینی که در سنه ۶۵۸ هجری تألیف شد^(۱)، و کتاب جامع التواریخ تألیف رشید الدین فضل الله وزیر که در سنه ۷۱۰ تألیف شد^(۲)، و کتاب تجزیة الأمصار و ترجمه الأعصار معروف بتاریخ و صاف تألیف عبد الله

(۱) رجوع کنید بفرست نسخ فارسی موزه بریطانیه تألیف ربو ص ۱۶۰-۱۶۱،

(۲) ایضاً، ص ۷۴،

ابن فضل الله الشیرازی معروف بوصف الحضرة که در سنه ۷۳۸ تألیف شده^(۱)، تاریخ و صف در حقیقت ذیل و امتداد تاریخ جهانگشای است و هر دو بالأصله از تاریخ مغول بحث میکنند و بالتبع از تاریخ پادشاهان معاصر مغول، جامع التواریخ بعلاوه تاریخ مخصوص مغول از تاریخ عام عالم (نا اندازه که در آن عصر برای مصنف معرفتش ممکن بوده) و بخصوص از تاریخ خلفا و طبقات ملوک و سلاطین بعد از اسلام نیز سخن میراند، مع التأسف تا کنون از این سه کتاب نفیس مذکور فقط تاریخ و صف در سنه ۱۲۶۹ در مطبعه حجری در بمبئی بطبع رسیده و در محل دسترس عموم میباشد ولی تاریخ جهانگشای و جامع التواریخ همچنان بطریق نسخه خطی در کتابخانههای بزرگ اروپا محفوظ و جز برای کسانی که دسترس بدان کتابخانهها دارند جمهور ناس را انتفاع از آنها ممکن نیست، خوش بختانه اکنون بنفقه «اوقاف گیب» شروع در طبع آن دو کتاب شده و اگر بعون الله مانعی فراهم نیاید و طبع این دو کتاب با تمام رسد یکی از بزرگترین خدمات بعالم معارف و علوم تاریخیه بعمل آمده است،

تاریخ گریه (که این جلد تمام متن آنرا حاوی است) اگرچه فقط دو سال بعد از تاریخ و صف یعنی در سنه ۷۳۰ تألیف شده است ولی از حیث رتبه و شأن از سه کتاب سابق الذکر پائین تر است و فقط تقلید و تلخیص مانندی است از کتاب جامع التواریخ رشید الدین فضل الله که از او غالباً در اثناء کتاب به «مخدوم سعید شهید» تعبیر و نماید، و همچنین است حال کتاب روضة اولی الألباب فی تواریخ الأكابر و الأنساب تألیف فخر بناکتی که در سنه ۷۱۷ تألیف شده^(۲)، ولی در هر صورت تاریخ گریه يك تذکره و یاد داشت خوبی است برای تاریخ ایران و وقایع ملوک و سلاطین اسلام و علاوه بر این متضمن بسیاری از معلومات مفید نیز هست

(۱) ایضاً، ص ۱۶۲، رجوع کنید بفرست نسخ فارسی موزه بریطانیه تألیف ریوس ۲۹-۸۰،

مقدمه ناشر کتاب،

که خود مصنف آنها را از بعضی از کتب معتبره قدیمه عربی و فارسی که
عنه آنها قریب به بیست و سه کتاب میرسد و اسما آنها در دیباچه
کتاب (ص ۸) مذکور است جمع آوری نموده است،

آنچه اطلاعات راجع بترجمه حال مصنف بدست است تقریباً همه
آنها را مرحوم ریو در فهرست نسخ فارسی موزه بریطانیه (ص ۸۰-۸۱)
مسطور داشته و عجماله اینجا حاجت تکرار آن نیست، و وجه شهرت مصنف
به «مسنوفی» آنست که وی منسوب است بیک خانواده قدیمی در قزوین
معروف به «مسنوفیان» که نسب خود را بحر بن یزید ریاحی می‌رسانند
و این خانواده در عهد ملوک و سلاطین مختلفه ایران غالباً بشغل استیفای
ولایات منصوب بوده اند،

دو کتاب معتبر دیگر از تألیفات حمد الله مسنوفی بدست است، یکی
نزّه القلوب در مسالك و ممالك (جغرافی) که در سنه ۱۲۱۱ هجری طبع
سقیم مغلوبی از آن در مطبعه هجری در بمبئی نشر داده اند، دیگر ظفر نامه
که منظومه ایست عظیم الحجم محتوی بر ۷۵۰۰۰ بیت در بحر ثقارب
بطرز و اسلوب شاهنامه فردوسی مشتمل بر تاریخ عرب و ایران و مغول
از اول اسلام تا عهد مصنف (سنه ۷۲۵)، و آنچه معلوم است فقط یک
نسخه بسیار نفیس ممتاز از این کتاب در لندن در موزه بریطانیه موجود
است^(۱) و علی الظاهر این نسخه منحصر بفرد باشد،

ظفر نامه نخستین کتابی است که مصنف شروع در تألیف آن نموده و
در آن وقت چهل ساله بوده است و پانزده سال تمام مدت تألیف آن
طول کشید و بعد از اتمام دو ثلث آن (یعنی ۵۰۰۰۰ بیت از جمله
۷۵۰۰۰ بیت) موقتاً آنرا کنار گذاشته و شروع در تألیف تاریخ گزیده
نموده و چنانکه سابق گفتیم در سنه ۷۲۰ آنرا با تمام رسایه پس از آن

(۱) برای شرح و وصف این نسخه رجوع کنید بذیل فهرست نسخ فارسی موزه بریطانیه

مجلدًا مشغول اتمام ظفر نامه شد و پنج سال بعد یعنی در سنه ۷۴۵ از آن فراغت بهم رسانید است، و نزهة القلوب را ده سال بعد یعنی در سنه ۷۴۰ تألیف نموده است،

سابقاً گفتیم که تاریخ گزیده تا درجه تقلید و تلخیص ماندی است از جامع التواریخ، اینک بواسطه جدول ذیل مقایسه بین آن مقدار از تاریخ گزیده که در ترتیب ابواب و فصول تقریباً مطابق است با مجلد دوم از جامع التواریخ (یعنی مجلدی که از تاریخ عام سخن میراند) بطور اختصار روشن میگردد:

(جدول تطبیق بین ابواب و فصول جامع التواریخ و تاریخ گزیده)

تاریخ گزیده	مجلد دوم از جامع التواریخ
فاتحه، در آفرینش کاینات	مقدمه، در آفرینش آدم
باب اول، در ذکر پیغمبران و حکما	قسم اول، پادشاهان پیش از اسلام
باب دوم، پادشاهان پیش از اسلام	در چهار فصل
در چهار فصل	(۱) پیشدادیان
(۱) پیشدادیان	(۲) کیانیان
(۲) کیانیان	(۳) ملوک الطوائف
(۳) ملوک الطوائف	(۴) ساسانیان
(۴) ساسانیان	قسم دوم، محمد مصطفی و خلفای او در چهار فصل
باب سوم، محمد مصطفی و خلفای او در شش فصل	(۱) شرح حال پیغمبر
(۱) نسب پیغمبر و کیفیت احوال او و کیفیت ازواج و دیران و اعمام و عبات و مخلفات او	

(۲) خلفاء راشدین	(۲) خلفاء راشدین
(۳) ائمه اثناعشر	
(۴) بعضی از صحابه و تابعین	
(۵) «پادشاهان» بنی امیه	(۳) خلفاء بنی امیه
(۶) خلفاء بنی عباس	(۴) خلفاء بنی عباس
باب چهارم، پادشاهان بعد از اسلام در دوازده فصل	
(۱) صفاریان	
(۲) سامانیان	
(۳) غزنویان	تاریخ غزنویان
(۴) غوریان	
(۵) آل بویه یا دیلمه	
(۶) سلجوقیان	تاریخ سلجوقیان
آ - سلجوقیان ایران و عراق	
ب - سلجوقیان کرمان	
ج - سلجوقیان روم	
(۷) خوارزمشاهیان	تاریخ خوارزمشاهیان
(۸) اتابکان	
آ - اتابکان دیار بکر و شام	
ب - اتابکان فارس (سلغریان)	تاریخ سلغریان فارس
(۹) اسمعیلیان	تاریخ اسمعیلیان
آ - اسمعیلیان مصر و مغرب	۱ - اسمعیلیان مصر و مغرب
ب - اسمعیلیان ایران (ملاحده)	۲ - اسمعیلیان ایران (ملاحده)
(ملاحده)	

- (۱۰) قراختائیان کرمان
 (۱۱) اتابکان لرستان
 آ- اتابکان لر بزرگ
 ب- اتابکان لر کوچک
 (۱۲) پادشاهان مغول

از اینجا ببعد دیگر مطابقت بین ابواب و فصول جامع التواریخ و تاریخ گزیده موجود نیست زیرا که پنج قسم باقی از مجلد دوم از جامع التواریخ مخصوص است بتاریخ اترک و چین و یهود و فرنگ و هند در صورتیکه دو باب باقی از تاریخ گزیده (یعنی باب پنجم و ششم) از تراجم علما و شعرا و از اخبار و آثار شهر قزوین که مسقط الرأس مصنف است بحث میکند، از تاریخ گزیده نسخ فراوان بدست است و در غالب کتابخانه‌های شرقی اروپا يك یا چند نسخه از آن موجود است و راقم حروف قریب چهارده نسخه از قدیمترین نسخ تاریخ گزیده که در کتابخانه‌های اروپا محفوظ است در مقاله که در سنه ۱۹۰۰-۱۹۰۱ در باب تاریخ گزیده در روزنامه انجمن هایونی آسیائی^(۱) نوشته ام بر شمرده‌ام، و این نسخه حاضره که بطور فتوگرافی بطبع رسیده است چون در آنوقت بدست نبود در جزو آن نسخ معدود نیست، این نسخه در سنه ۸۵۷ هجری استنساخ شد و سابقاً متعلق بکتابخانه مرحوم شاهزاده معتمد الدوله حاجی فرهاد میرزا بوده است و بخط خود آن مرحوم بعضی ایضاحات در حواشی کتاب دیده میشود و بتوسط دوست و هم‌نظار سابق من حاجی میرزا عبد الحسین خان کاشانی ملقب بوحید الملك که بالفعل یکی از وکلای محترم مجلس شورای ملی ایران است از ایران بانگلستان آورده شد، این نسخه خیلی خوش خط و نسبتاً صحیح و مضبوط است هرچند بعضی از فقرات که در سایر نسخ موجود است

(1) The Journal of the Royal Asiatic Society.

(مخصوصاً بعضی از فہلوئیات یعنی اشعاری کہ بلجہ بعضی از ولایات ایران ساخته شد است و در سایر نسخ در فصل ششم از باب پنجم مذکور است) از این نسخہ مفقود است، ولی از طرف دیگر يك فصل مطوئی در تاریخ آل مظفر از ابتدای ظهور تا انقراض ایشان در سنہ ۷۹۵ کہ یکی از نسخہ متأخر در آخر باب چهارم از کتاب الحاق کردہ است در این نسخہ حاضرہ موجود است و از غالب نسخ دیگر مفقود، و این فصل شروع میشود از صفحہ ۶۱۲ و ختم میشود بصفحہ ۷۵۵،

بواسطہ حجم عظیمی کہ متن این کتاب داراست (۱۵۲ صفحہ) بیش از این مناسب نیست کہ این مقدمہ مختصر بطول انجامد، در جلد دوم کہ منصفن فہارس منصلہ کتاب و بعضی انتخابات از اصل متن خواهد بود آن شاء الله تعالی بطور تفصیل و اشباع از مسائل مختلفہ راجع بتاریخ گزیدہ و ترجمہ مصنف بحث خواهیم نمود بعون الله و حسن توفیقہ،

ادوارد برون

فی ۱۶ شهر رمضان المبارک سنہ ۱۲۲۸

(جدول ابواب و فصول نسخه حاضره تاریخ گریه که بطور «فَاكْ سِیْمِل»
 بطبع رسیده است)

صفحه	
۱	دیباچه
۲	سبب تألیف کتاب
۸	مآخذ و مصادر این کتاب
۸	تاریخ تألیف کتاب
۹	مبایده تاریخ ام مختلفه
۱۰-۱۷	فهرست ابواب و فصول کتاب
۱۶	فائحه، در ذکر آفرینش کاینات
	باب اول، در ذکر پیغمبران و حکما که قبل از اسلام بوده اند
۱۸	و آن دو فصل است
۲۰	فصل اول، در ذکر انبیا و پیغمبران مرسل و اولو العزم
۲۸	فصل دوم، در ذکر حکما
	باب دوم، در ذکر پادشاهان که پیش از اسلام بودند در
۸۱	چهار فصل
۸۱	فصل اول، پیشدادیان
۹۱	فصل دوم، کیانیان
۱۰۱	فصل سوم، ملوک الطوائف

صفحه	باب
۱۰۲	فصل چهارم، ساسانیان
۱۲۴	باب سوم، در ذکر محمد مصطفی صّام و خلفا و اولاد و اصحاب و احفاد او مشتمل بر مقدمه و شش فصل
۱۲۵	مقدمه، در شرح نسب پیغمبر
۱۲۸	فصل اول در شرح احوال او و غزوات و ازواج و دیوران و اقربا و موالی و مخلفات او
۱۶۵	فصل دوم، خلفای راشدین
۲۰۲	« سوم، بقیه ائمه اثناعشر
۲۰۸	« چهارم، بعضی از صحابه و تابعین
۲۵۵	« پنجم، «ملوک» بنی امیه
۲۹۰	« ششم، خلفاء بنی عباس
<hr/>	
	باب چهارم، در ذکر پادشاهان که در زمان اسلام در ایران بودند
۲۷۲	مشتمل بر دوازده فصل
۲۷۳	فصل اول، صفاریان،
۲۷۹	« دوم، سامانیان
۲۹۲	« سوم، غزنویان
۴۰۶	« چهارم، غوریان
۴۱۳	« پنجم، دیلمه یا آل بویه
۴۲۳	« ششم، سلجوقیان در سه شعبه .
۴۲۴	(۱) سلجوقیان ایران و عراق،
۴۷۹	(۲) سلجوقیان کرمان
۴۸۰	(۳) سلجوقیان روم
۴۸۶	فصل هفتم، خوارزمشاهیان
۵۰۲	« هشتم، اتابکان در دو شعبه

صفحه	
۵۰۴	(۱) انابکان شام و دیار بکر
۵۰۵	(۲) انابکان فارس معروف بسفریان
۵۰۹	فصل نهم، اسمعیلیان در دو مقاله
۵۰۹	(۱) اسمعیلیان مصر و شام و مغرب
۵۱۷	(۲) اسمعیلیان ایران معروف بملاحه
۵۲۷	فصل دهم، قراختائیان کرمان
۵۴۵	فصل یازدهم، انابکان لرستان در دو شعبه
۵۴۷	(۱) انابکان لر بزرگ
۵۴۷	(۲) انابکان لر کوچک
۵۵۷	فصل دوازدهم، پادشاهان مغول ایران مشهور باپلغانیان
۶۱۴	باب ملحق، پادشاهان آل مظفر
	باب پنجم، در ذکر ائمه و قراء و مشایخ و علمای اسلام در
۷۵۵	شش فصل
۷۵۵	فصل اول، ائمه و مجتهدان
۷۵۹	« دوم، قراء
۷۶۰	« سوم، محدثان
۷۶۰	« چهارم، مشایخ
۷۹۷	« پنجم، علما
۸۱۲	« ششم، شعرا در دو گروه
۸۱۲	(۱) شعرای عرب
۸۱۲	(۲) شعرای عجم
	باب ششم، در ذکر احوال شهر قزوین که مولد و منشأ مؤلف
۸۲۹	است در هفت فصل
۸۴۰	فصل اول، کیفیت نام قزوین

جدول ابواب و فصول کتاب،

۱۲۰	فصل دوم، عمارات و ابنیه قزوین
۱۲۲	فصل سوم، فتح قزوین و اسلام اهل آن
۱۲۳	فصل چهارم، نواحی و رودخانهها و قنوات و مساجد و مقابر آن
۱۳۵	فصل پنجم، صحابه و تابعین و ائمه و خلفا و مشایخ و علماء و پادشاهان و وزرا که بقزوین رسیده اند
۱۳۸	فصل ششم، حکام قزوین
۱۴۲	فصل هفتم، قبایل و خانوادهای قدیم قزوین

(نسیه)

فقط قسمت عمده از تاریخ گریه که تا بحال بطبع رسیده باب چهارم آنست که مشتمل است بر تاریخ پادشاهان ایران بعد از اسلام، متن این قسمت از کتاب (باستثنای فصل دوازدهم که در تاریخ پادشاهان مغول است) با ترجمه فرانسه و حواشی و توضیحات و غیره در سال ۱۹۰۲ بتوسط مرحوم ژول گانتن در پاریس بطبع رسیده است، - و دیگر باب ششم کتاب یعنی باب اخیر که مشتمل است بر تاریخ و اخبار و آثار شهر قزوین بتوسط مرحوم باریه دو منار بزبان فرانسه ترجمه شد و در سنه ۱۸۵۷ در روزنامه آسیائی^(۱) (سلسله پنجم جلد ۱۰) بطبع رسیده است، و بالاخره راقم حروف قسمت اخیر از فصل ششم از باب پنجم را که در ترجمه احوال شعراء فارسی است بزبان انگلیسی ترجمه کرده و در روزنامه انجمن هایونی آسیائی^(۲) در ماه اکتوبر ۱۹۰۰ و ژانویه ۱۹۰۱ نشر داده‌ام،

(۱) Journal Asiatique for 1857, Série V, tome 10.

(۲) The Journal

of the Royal Asiatic Society for October 1900 and January 1901.

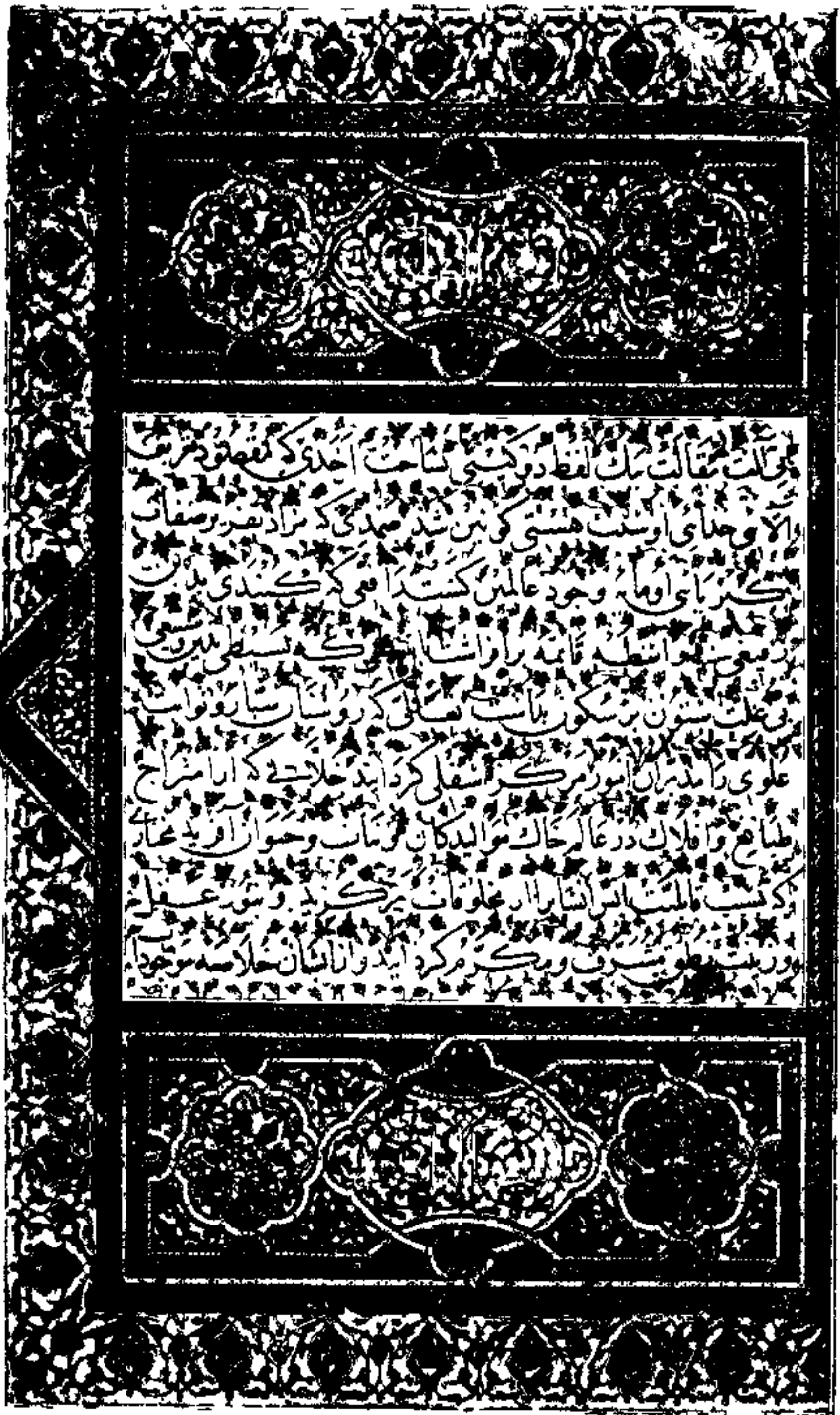
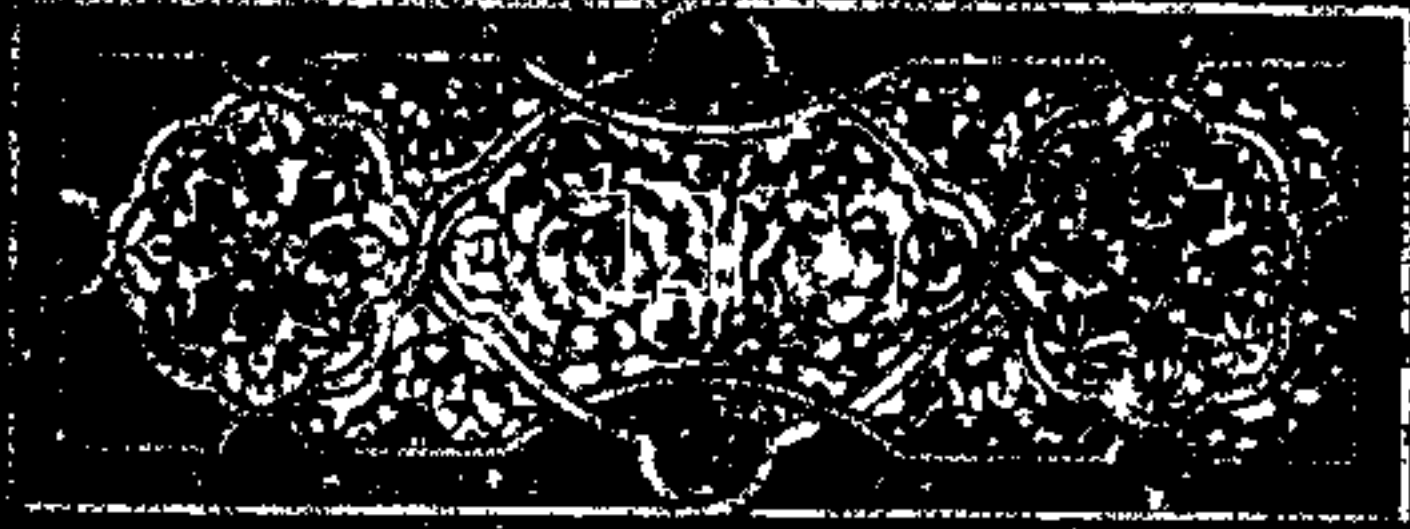
وَأَمَّا الْإِمْرَاءُ الْأَعْرَابُ
 الْأَمَلُ الْأَشْجَعُ الْأَكْرَمُ الْأَعْلَى الْأَعْلَى
 عَمْرُ الْمُصَوَّبِ الْبَيْتِ الْمَلِكِ السَّجَّادِ الْعَدْلِ الْمِثْلِ
 الْأَخْبَرِ الْأَخْبَرِ الْأَخْبَرِ الْأَخْبَرِ
 فِي فَنَاءِ شَرْكَائِكَ كَمَا فِي
 وَقَدْ مَاتَ



حکایت از دستاوردش بادشاهی را که از آن او دروغاقت و مملکت
 اوئی انتقال اول پیش از ابتدا از خداوند عالم بر سرش
 یعنی که حکوکتی را از او پس از آن ما قدری که در او بود
 نماید عطی که تا از شرح و معنی ظاهر آن را در این
 است حکمی که در اندکی او از کس برتر است موی
 یعنی از جانت معبودی که نیز از جانت حیا
 عزیزان جهان بر جبر رس حوارند در راهی حکم از شاه و کد
 خود زوری خواهد نمودی که دست مدرس بی غلت است
 نفس از کمال ظهورت و معنی داشت معنی که اول آن



بِمِثْلِ مِثَالِكَ لَقَدْ دُرُكْتَنِي لَمَاتُ أَخْدَى كَلْفَقُودِ مَرِيحِ
 وَالْأَوْجَدَى أَوْسَدُ هَسْتِي كَوَيْنِ شَدِّ صَهْدِي كَمِرَادِ نَصْرِ رِصْفَانِ
 كَمِرَادِي أَوْمَانِ وَجُودِ عَالَمِينَ كَسْتَدَامِي كَمَكْنَدِي مَدِينِ
 رَمَعِي نَهْوَانِطَلَقَ قَائِمُهُ رَأْسَانِ كَمَسْطَرِ مَدِينِ
 بِرِغْلَتِ سِتُونِ بَرَسْكَوْنِ بِنَاتِ نَسَانِي كَرُوسَانِ سَارِوَنُوتِ
 عَلَوِي رَامِدِيرَانِ أَمُورِ مَرَكْرِ نَسْفَانِي كَرَادِينِ خَلَاتِنِي كَارَامِ شَرَاخِ
 طِبَاعِ وَأَفْلَاكِ دَرِ عَالَمِ حَاكِ مَوَالِدِ كَانِ مَوَانِ وَحِوَانِ أَوْزِ بِلِ عَمَارِ
 وَكَسْتِ قَالِمَتِ السَّرِ نَسَارِ أَرِ مَخْلُوقَاتِ مَرَكْرِ وَنُورِ عَمَلِ
 هُورِ نَبْتِ مَطُورِ مَسْرُوفِ وَرَكْرِ مَرَكْرِ أَيْدِ رَأْسَانِ خَلَاصَهُ مَوْجُودِ



وخواجگه کانیات و زید مکنات نور حدیقه آفرینش نور حدیقه
بینش خاتم نبیا و رسل هادی و ره نمای سبیل مصطفی مجتبی منکب
معلی ابوالقاسم محمد علیه من الصلوات افضلها و اعظمها و من
الحمیات اکملها و اتمها را محبوب خویش گردانند تا عالم بدو
شرف و آدم بدو مفتخر گشت و دود فراوان و نجیبات بی پایان
بر او قاهل پست و یاران و اتباع و اشیاع او باد درودی که بجز
از نیجات او سر نایه تا فهای آهوان خنک گردد و تخمینی که
شمه از دگر آن پیرایه ابکار افکازی روان اهل دین باشد
اما بعد جنر کورید مقرر این کتاب بنده حمد الله انحمد
ابن کریم نصر مستوی و زیدنی صلح الله بانه و احسن حاله که چون
واجب الوجود تعالی و تقدس بر مقتضای و لغت گرامنا
بی آدم این بند را از صورت حی بی معنی رسانند و بکرامت محبت
اهل علم و کتاب فضیلت و هنر مندی مشرف گردانند
ممکن است بزرگ ملازمت و خدمت آن طائفه که بحقیقت
خلاصه مکنات نبی و بزرگان از بحر فضائل ایشان شعوف وجود
و خورشید خوشه جبر خیزم از آن قومی ساخت تا سعادت حقیقی
ساعت نمود و بند را بشرف ملازمت بندگی حضرت محمد
سعید شهید خواجگه براسقی سلطان سلاطین الوزیرا اید الله فی العبد
لولا قضا مقضیا کاد ان یکن نبیا الموبد من رب الارض و السماء

وَذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ رَشِيدًا لِذِي الْقُرْبَىٰ وَالذَّيْنِ عِمَادٌ
الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ فَضْلُ اللَّهِ أَسْكَنُهُ اللَّهُ جَنَانَهُ وَأَفَاضَ عَلَيْهِ
مَغْفِرَتَهُ وَرِضْوَانَهُ مُكْرَمًا كَرِيمًا يَنْبَغُ وَدَرِّزُ مِنْ دِيكَرِ نَبِيَّكَ
مَنْظَرُ شَدِّ أَكْثَرِ أَوْ كَاتِ شَرِيفَهُ أَنْ جِهَانَ مَعْدِنَاتُ وَدَوْلَتُ
أَسْمَانِ فَضْلُ وَرَأْفَتُ بِمَحَالَّتِ أَهْلَ عَلَيْهِ وَبِمَا حُثُّ عُلُومِ عَمُومًا وَخُصُومًا
عِلْمِ تَوَارِيخِ كَيْفَ فَوَائِدِ أَنْ تَأْتِي بِصُورَتِ أَنْ تَقْرَأَ كَرَامَاتِ كَرَامَاتِ
وَاعْتِبَارِ أَنْ أحوالِ أَهْلِ بَنَانِ وَتَجَارِبِ دَرْمَهْمَاتِ وَمَصَالِحِ مُلْكِ وَأَثَارِ
دَوْلَتِ هَرَطَانِ وَشَيْبِ كَبْتِ هَرِ قَوِي وَتَمَرِنِ نَفْسِ مَصَابِيحِ دِيكَرِ
أَزْ قَرُونِ مَاضِيَهُ وَأَمْسِ سَالِفَهُ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا لَا يَحْصِي مَنعُوقِ يَأْتِ
وَالْحَقُّ زَمَانِ دَوْلَتِ شَكَارِ نَامَهُ فَضْلُ وَأَفْضَالِ كَشْتِ وَأَسْتَانِ رَفِيعِشِ
مَقْبَلِ دَوْلَتِ وَأَقْبَالِ وَمَلْشِدِ أَهْلِ عَلَيْهِ وَكَمَالِ شُدِّ أَيْنِ بِنْدَهُ دَوْلَتِ
نَزْدِ دَرِّزِ وَأَيَّ أَنْ مَجْلِسِ بَاسِ تَمَاجِ فَوَائِدِ أَنْ مَبَاحِثِ مَسْتَفِيدِ شُدِّ وَأَيْنِ
بِعْنِي مَحْصُوعِ مَطَالَعَهُ وَمُرَاجَعَتِ بَا كَبْتِ تَوَارِيخِ مِي كَشْتِ بَعْدَ أَنْ مَطَالَعَاتِ
وَالْأَسْتَفَادَاتِ أَيْنِ فَنِ بِأَطْوِيلِ الذَّيْلِ يَأْتِي وَبِحَالِ مَخْرُوجِ رَانَ وَسُعْتِي
هَرَجِهِ تَمَامِ دِيدِمِ بِأَخْرُوكِ شَمْرِ شَمْرِ فَقَدْ وَجَدْتُ مَكَانَ الْقَوْلِ وَاسِعَهُ
فَإِنْ وَجَدْتُ لِسَانًا قَالًا قَتَلَ وَبَعْدَ الْفَاغِ جِهَانَ دَرِينِ عَلَيْهِ حَبْلَاتِ
رَا از بِيَاضِ بِنُودِ وَشَوَادِ بِيَاضِ رَشَائِدِ أَنْدِ وَدَادِ مَخْرُوجِ دَادِ هَرَجِنْدِ
شَعْلِ أَيْنِ بِنْدَهُ أَنْ فَنِ بِنُودِ وَاسْلَافِ وَأَقْرَبِي أَوْ بِنَاعَتِ تَجْدِيرِ
وَسِيَاقَتِ مَوْسُومِ كَشْتِ أَمَّا دَرِ خَاطِرِ مِي كَشْتِ كَرَامَاتِ

وَمَضَامِنٌ عَلَى تَارِيخِ نَارِيخِ بِرِشْكُلٍ وَشَيْئٌ مِنْهَا وَمِنْ ذَلِكَ مَعْرُورٌ كَرِيهَاتٌ
 وَمَفْضَلٌ أَنْزَاكِهِ بِحَسَبِ ادْوَارِ رُوزِ كَارِ وَقَابِ لَيْلٍ وَنَهَارٍ نَامِنَاهِي شِدْمِ بِجَلَا
 دَرَسَلِكِ سِنِيَاقَتِ مَنْظَرِ كُنْدِ جَامِعِ مَفْرَدَاتِ تَوْجِيهَاتِ اِيْنِ فَرْكَرِدُ
 وَوَضْعِي بِرِاصِلِ بَاشْدُ وَجُونِ بَوَاجِبِي قَانُونِ اِشَارَاتِ اَنْزَارِ عَايَتِ رُوْدُ عِيْتِ
 مَرْدَمِ بَدَانِ پَسْتَرِ كَرْدُ وَلِصْكَرُ شُرُوعِ دِرَاكِ مَوْقُوفِ بُوْدِ بِرِخَاطِرِ وَقَادِ وَذِهْنِ
 نَفْسَادِ وَرِفَاهِيَّتِ بَالِ وَفِرَاغَتِ حَالِ شِعْرٍ وَكَأَبْدِ مِنْ شَيْءٍ هُوَ الرُّكْنُ وَجِدَهُ
 رِفَاهَةً بَالِ قَلْبِ اَيْتِيْرٍ وَتِلْكَ لِعَمْرِ اَللّٰهِ خَلْفَهُ صَادِقٌ هِيَ النِّعْمَةُ الْعُظْمَى
 لِيَنْ كَانِ يَشْكُرُ وَجَزْ اِحْيَا نَاشِعِي شَكْسُهُ بَسْنَهُ اِنْفَاقِ
 مِ اَفْتِدِ دَرِيْنِ عِلْمِ هُوْشِ نَطْمِي مِيْشُوْرُ كِه اَز اَوَّلِ عَهْدِ صَطْفِي صَلَّيْ اَللّٰهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَا اِيْنِ زَمَانِ مُبَارَكِ تَارِيخِ مَنْظُومِ مَرْبُوبِ كَرْدَانْدِ وَاَزَانِ
 نَجَاهِ وَجَنْدِ هَذَا رِيْتِ كَفْتُهُ شَدَا كَرْتِ مَوْقُوفِ رَفِيْعِ كَرْدِ دَهْفَتَا ذِ
 وَبِحِ هَذَا رِخْوَاهُ دَرَسَانِدِ وَبِالْقَابِ هِمَايُونِ مَخْدُومِ وَخُدُومِ رَاذِ جِهَانِيَا
 لَازِلِ قَصْرِ عَمْرِ عَامِرَاوِ عِيْرِ خِصْمَةِ قَامِرَاوِ شَوْخِ كَرْدَانْدَا مَا جُوْنِ اَنْ مَنْظُومِ
 هُنُوْرَاذِ صُوْرَتِ شَوَادِ بِكُوْتِ بِيَاضِ مَقُوْلِ نَكْسَتِهِ عَجَالَةَ الْوَقْتِ
 تَا مَوْجِزِي مَشُوْرُ كِه بِالْحَقِيْقَةِ مَجْمَلِ اِيْرُقْسْتِ تَرْتِيْبِ دَاذِهِ مَطْرُورِ كَرْدَانِدِ
 بِاسْمِ عَالِيْجَنَابِ وَسْتِ رَفِيْعِهِ حَضْرَتِ آسْمَانِ مَرْبِيْتِ اَفْتَابِ مَنْقِبَتِ وَنَارِ
 پِنَاهِ سُلْطَنَتِ دَسْتْكَاهِ اَعْنِيْ جِنَابِ وَالْاَعْدُوْمِ عَلَيِ الْاِطْلَاقِ سُلْطَانِ
 صَادِدِ الْوَرَرِ اَبَا اَلرِيْتِ وَالْاَسْتَحْقَاقِ الْمَوْلَى الْخُدُومِ الْاَعْظَمِ رَافِعِ رَايَا
 الْعِلْمِ وَالْحِكْمِ نَاصِبِ غَايَاتِ الْمَجْدِ وَالْكَرَمِ الْمَشْرِقِ مِنْ جِيْبِهِ نُورِ الْهُدَى

در این کتاب
 در بیان تاریخ
 در بیان تاریخ
 در بیان تاریخ

الموفق بينه اعلام النقيحى الحق والحقيقه ما حى الشريك عن الخليفة
وزير سلطان نشان بايه رحمتيزهان مايه امر وامان حاي پضة
اسلام ما حى كفر وامنام دستور ملك اخلاق حاوى الفضايل بالانفاق
شعر لولا بداع صنع الله ما بينت تلك المكازم في جسر ولا عصب
افضل من راز بيت الله اجرام اكمل من قبل الركن ووطن المقام غياث الدنيا
والحق والدين عوثر الانشام وعوز المسلمين محمد بيست
اتك بر لوح جينش فر دولت آشكار حشم كه بيند اندرين شب و اشتهاء
عقود سلسله نشت تو تا آدم همه حكيم و وزير و پير آندوشاه ابن المولى
الحق اعظم السعيد الشهيد سلطان وردان زمانه ايه الله في علو شان
فهرماز الماء والطين خلاصه شكار الارضين ناصح الملوك والاسلاطين خواجه
رشيد الحق والذير وارث علوم الانبياء والمرسلين اكمل علمه المنقذ
والتاخرين افضل حكماء الاولين والاخرين باقى الخيرات واضع المبرات
فضل الله شعر سب تو ارب كابر اعز كابر كالتمح ابوا على ابواب
خدا الله دولته و ادام على و تر العباد تسبته ولا زالت اعلام العلم
منشور ببقاه واعناق ملوك الارض خاشعه لفسانه وما برح النصر والظفر
مقترون بر ايات و رايه والملائكة بقصد من ايمان و رايه شعر
ولا زالت الافلاك تخدم دسته فكما يخدم الايام بالثقت تحت
بناعه الاقبال ايرتوجت غايبه واليزلم رفعته واقبائه
رب العرش بالفضل والعلو وحياته ما احيا الارضين تا بر روى

روزگار جو نصیب بعد از پیش منگد مانده و از بند و بد پر خدمت
تجدید عهد بودی که اندر زمان صبیحی یومنا با آن دو دوازده روز
و خاندان عظیمت و جلال که تا دامن قیامت متصل باز داشته است که
لی حرمه الضیف و ابجار العظیم و من انما کدر و کهل الحی اطفال
اینها کربلا پس الصوق شب فیکف ارجل منکر و هو اسم الب
هر چند اهدای این ضیافت مزینا بدین جناب جنت مآب منی است شعر
اهدی کتبضع من الی هجر و حامل الوشا ادا الی الین زیر اهر تیغ
انتایج قلب این خندان و دجیان دینان جفا زانامه ایت و هر دم
اند فاق فکرت افاضل زمانه کار نامه پیر اهری که یفند ز رخه قلش
بر دست بدست برای کرد ز حور شعر اذا قال فالدر التیز منظره
وان جط فالوشی البدیع منهم لکن اعتماد بر کمال آنحضرت
پیکر و شمر جاءت سلیمان یوم العرفه تاقی جل جبراد
کان جده قتها ترنمت بضم الف قول اذا نطق
ان الهدایا علی مهاد مهدیه ابیت کربانی تلخ تره سلیمان مرد
عیبیت و لیکن هنرست از موزی مامولست از حضرت که ذیل
عنوبره نفوات این بنده که پرورده ایز در کاه و براودعه
ایز بار کاهت کشنه عنان عنایت بکاب ایز و الخواه معطوف
فرماید و این جرعه را بنظر رافت و رحمت ملحوظ کرد اند که اگر
چه ایز موجب نیت محسن اما پس ایز دولت آنجه خلاصه قلاده این

وبيت القصيدة اير صنعت و مختول و مختار كبتا ساذان اير طافه
 بوده مثل شيره النبي صلى الله عليه وسلم و قصص الانبياء عليهم السلام و رسالة
 الفشيري و تذكرة الاولياء و تدوين امام راضي و تجارب الامم و مشارب
 التجارب و ديوان النسيب و تاريخ محمد بن جرير طبري و حشنة اصفهاني
 و عماد بن علي الاثير جوهرى و زبد و تواريخ جمال الدين ابو الفتح اشرف
 كاشي و نظام التواريخ قاضي ناصر الدين ابو سعيد بضاوى و عيون
 التواريخ ابو طالب علي بن الحبر خازن بغدادى و معارف ابو محمد هبة
 بن مسلم بن قتيبة الدينورى و جها نكشاي جوهرى و ترجمه ميني الشرف
 جبريادقاني و سير الملوك نظام الملوك و شهنشاه فريدونى و سلجوق نامه
 طهيرى نيشابورى و مجمع ارباب المسلك قاضي ركن الدين جوهرى
 و استظهار الاخبار قاضي احمد دامغانى و جامع التواريخ ارمضا
 محمد سعيد شهيد قدس الله روحه العزيز كه بالحقيقه فذلك
 مجموع مصنفات اين صناعت كزنده كردن درين كتاب منظم
 كردن و اين كتاب را كز بن نام كرده مبنى گرداننده بر ذكر
 انبياء و اولياء و با دشاهان و وزراء ايران زمين و آثارى كه از ایشان
 باز مانده از عهد آدم عليه السلام تا زمان تاليف اين مختصر كه در
 سنه ثلثين و سبعمانه هجرى مصطفونست و بحكم انك كفته اند
 خير الكلام ما لم يكن عاميا سويا ولا غريبا حشيا در سخن از اى
 مستشهدات آيات و اخبار و امثال و اشعار زيادت شروعى ز رفت

احد

اتم